فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه
|| شمارهٔ ۱۶ || سال پنجم || تابستان ۱۴۰۰ ||
P. ISSN: 2645-5048 & E. ISSN: 2645-5706

معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون میانهٔ اسلامی *

ذبیح‌الله مسعودی‌نیا[I]
احمد صالحی‌کاخکی[II]
سید هاشم حسینی[III]

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۵۸ - ۱۳۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵
شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.5.16.137

چکیده

کوهگیلویه، یکی از شناخته‌ترین جای‌نام‌های دوران اسلامی، در جنوب‌غرب ایران است که نقش بسیار مهمی در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی این منطقه داشته است. بیش از هزار سال از ذکر نام کوهگیلویه در منابع تاریخی می‌گذرد، اما تاکنون هیچ‌گونه اشاره‌ای مبنی‌بر وجود شهری یا استقرارگاهی با نام کوهگیلویه نشده و همواره از آن به‌عنوان یک ناحیه یا منطقهٔ جغرافیایی یاد شده است. کشفیات اخیر در شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهند که کوهگیلویه در قرون میانهٔ اسلامی نه‌تنها یک محدودهٔ جغرافیایی، بلکه مهم‌ترین مرکز شهری این منطقه بوده و از اهمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی مذهبی برخوردار بوده است. این شواهد شامل گنجینه‌ای ارزشمند متشکل از ۱۹۴ سکهٔ تاریخی است که برروی تعدادی از آن‌ها شهر کوهگیلویه به‌عنوان محل ضرب این سکه‌ها حک شده است. قرارگیری شهر کوهگیلویه در زمرهٔ ضرابخانه‌های این دوره، نشان از اهمیت و جایگاه ویژهٔ این شهر دارد که تاکنون ناشناخته باقی‌مانده است و از موقعیت جغرافیایی آن نیز اطلاعی در دست نیست. پرسش‌های این پژوهش در حول دو محور است؛ ۱. سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت، به چه دوره‌ای تعلق دارند و در زمان کدام حاکمان ضرب شده‌اند؟ ۲، موقعیت مکانی شهر تاریخی کوهگیلویه با کدام‌یک از محوطه‌های تاریخی هم‌خوانی دارد؟ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مشخص نمودن دورهٔ ضرب سکه‌های کشف‌شده و مکان‌یابی موقعیت جغرافیایی شهر کوهگیلویه به انجام رسیده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی و رویکرد آن تاریخی-تحلیلی است. مطالعات نشان می‌دهند که سکه‌های مذکور در دورهٔ آق‌قویونلوها ضرب شده‌اند و ضرابخانهٔ کوهگیلویه به‌عنوان یکی از فعال‌ترین و مهم‌ترین ضرابخانه‌های دورهٔ آق‌قویونلوها و اتابکان لر بزرگ، با شهر تاریخی دهدشت، در شهرستان کوهگیلویه هم‌خوانی دارد که در روند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی از دورهٔ آق قویونلوها به دورهٔ صفویه، به‌نام شهر دهدشت تغییر نام داده و در گذر زمان، نام کوهگیلویه غبار فراموشی گرفته و از یادها رفته است.

کلیدواژگان: سکه، ضرابخانهٔ کوهگیلویه، آق قویونلوها، شهر تاریخی دهدشت.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکدهٔ حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
II. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکدهٔ حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسندهٔ مسئول).
Salehi.k.a@aui.ac.ir
III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکدهٔ حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

*. این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی «ذبیح‌الله مسعودی‌نیا» با عنوان: «بررسی باستان‌شناختی روند تکوین و فراز و نشیب شهر تاریخی دهدشت» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

جای‌نام‌ها بر چگونگی پدیداری آبادی‌ها، شهرها و کشورها دلالت دارند و در بررسی‌ها و مطالعات تاریخی، تاریخ اجتماعی و فرهنگی، کمک مهمی به پژوهشگران در شناخت واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌نمایند (باستانی‌راد و مردوخی، ۱۳۹۲: ۲۲). «کوهگیلویه» از شناخته‌ترین جای‌نام‌های منطقهٔ جنوب‌غرب ایران است که براساس منابع تاریخی، دوران اوج و شهرت آن، به دورهٔ صفویه بازمی‌گردد که از یک ناحیهٔ جغرافیایی، به ایالتی مهم ارتقاء می‌یابد و نقش مهمی در معادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی منطقه پیدا می‌کند (واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷). محدودهٔ و گسترهٔ جغرافیایی ناحیهٔ کوهگیلویه، از زمان شکل‌گیری تا قرون متأخر اسلامی، بسته به قدرت سیاسی و نظامی حاکمان محلی آن متغیر بوده است، اما به‌طور کلی و با توجه به توصیفات «حسینی‌فسایی» از گسترهٔ این ناحیه در دورهٔ قاجار، می‌توان ناحیهٔ کوهگیلویه را تقریباً با مرزهای سیاسی استان کنونی کوهگیلویه و بویراحمد مطابقت داد (حسینی‌فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۶۸).

شرایط اقلیمی و توپوگرافی خاص، در کنار سخت‌گذر بودن مسیرهای مواصلاتی آن با مناطق همجوار به‌خصوص با مرکز ایران موجب می‌شد تا سیاحان و مورخین تمایل چندانی برای انتخاب این مسیر و گذر از آن نداشته باشند. به‌همین جهت اغلب منابع تاریخی درمورد این منطقه سکوت اختیار کرده و یا به کلی‌گویی و ارائهٔ اطلاعات مختصری از آن اکتفاء نموده‌اند؛ این‌گونه محدودیت‌های محیطی را می‌توان مهم‌ترین دلیل کمبود اطلاعات درمورد کوهگیلویه و نیز وضعیت استقرارگاه‌ها و جوامع ساکن در آن، نسبت به مناطق همجوار دانست. کمبود اطلاعات درمورد این منطقه موجب شده تا به‌ناچار، بسیاری از محققین و پژوهشگران جهت کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از زوایای تاریک و ناشناختهٔ آن، به مدارک و کشفیات نوین باستان‌شناسی، به‌ویژه آثار و یافته‌های نوشته‌دار متکی و امیدوار باشند.

سکه‌ها از مهم‌ترین یافته‌ها و شواهد باستان‌شناسی هستند که در کنار کاربردهای تجاری، حاوی اطلاعات ارزشمندی درمورد ابعاد و جنبه‌های مختلف جوامع گذشته‌اند. بررسی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت، اطلاعات مفید و مهمی را درمورد وضعیت سیاسی و اقتصادی این منطقه در دورهٔ «آق‌قویونلوها» در اختیار ما قرار داده که مهم‌ترین این اطلاعات، معرفی شهر کوهگیلویه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضرابخانه‌های این دوره است که تا پیش از این، هیچ‌گونه اطلاع و شناختی از آن وجود نداشت. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون میانهٔ اسلامی به مطالعهٔ سکه‌های مکشوف و بررسی و تحلیل منابع تاریخی و نیز مهم‌ترین مراکز شهری منطقه پرداخته است.

پرسش‌های پژوهش: ۱- سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت به چه دوره‌ای تعلق دارند و در زمان کدام حاکمان ضرب شده‌اند؟ ۲- موقعیت مکانی شهر تاریخی کوهگیلویه با کدام‌یک از محوطه‌های تاریخی هم‌خوانی دارد؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن نیز ازطریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. اطلاعات میدانی این پژوهش براساس مطالعهٔ مجموعهٔ سکه‌های ضرب کوهگیلویه است که در سال ۱۳۸۸ هـ.ش.، در قالب یک گنجینهٔ کوچک متشکل از ۱۹۳ سکهٔ نقره‌ای در شهر تاریخی دهدشت کشف شده و امروزه در مخزن موزهٔ باستان‌شناسی شهر یاسوج نگه‌داری می‌شود؛ از این‌رو با هدف معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه، نخست به معرفی سکه‌های مکشوف با محل ضرب کوهگیلویه پرداخته شده و سپس با بررسی و تحلیل متون و منابع تاریخی قرون میانه و متأخر اسلامی سعی در مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون هشتم و نهم هجری‌قمری شده است.

پیشینهٔ پژوهش

در منابع تاریخی از کوهگیلویه به‌عنوان منطقه و ناحیه (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲۶ و ۱۲۷؛ یاقوت‌حموی، ۱۳۸۳ ج۳: ۵۵۲؛ بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹؛ شریف‌الدین قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۵۳؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج۲: ۱۵۰۰-۱۴۶۸)، به‌عنوان ولایت (ترکمان، ۱۳۵۰ ج۱: ۲۷۵-۲۷۲) ایالت (افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳ : ۱۲۱-۱۱۹؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳-۶۳۹؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۸۵) و گاه بیگلربیگی (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۲۴) یاد کرده‌اند. در پژوهش‌ها و مطالعات حوزه‌های تاریخ سیاسی و اجتماعی، مردم‌شناسی و تاریخ محلی جنوب‌غرب ایران و استان کوهگیلویه و بویراحمد به‌تناوب به کوهگیلویه پرداخته شده است. این پژوهش‌ها بدون علم و آگاهی از وجود شهر کوهگیلویه تلاش نموده‌اند تا با مبنا قرار دادن منابع تاریخی، وجه‌تسمیه، محدوده و جغرافیای تاریخی کوهگیلویه را مشخص نمایند که در این مختصر به‌دلیل محدودیت موجود و در جهت آشنایی با این منابع، به‌صورت کلی به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

«هانس گاوبه» در کتاب ارجان و کوهگیلویه از فتح اعراب تا پایان عصر صفویه با ارائهٔ یک تقسیم‌بندی زمانی، مرزهای جغرافیایی، سکونت‌گاه‌ها و نواحی، راه‌های ارتباطی، رودخانه‌ها و مهم‌ترین آثار و کشفیات باستانی موجود در این منطقه را مورد مطالعه قرار داده است. وی نخستین‌بار در دورهٔ C (از دوران سلجوق تا ایلخانان)، از کوهگیلویه به‌عنوان «ناحیه» نام‌برده و براساس منابع تاریخی، قلمرو جغرافیایی و سکونتگاه‌های آن‌را توصیف می‌نماید (گاوبه، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۱۴). «احمد اقتداری» در کتاب خوزستان و کوهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی آثار باستانی به مطالعهٔ وجه‌تسمیهٔ کوهگیلویه، جغرافیای تاریخی و سیاسی و نیز مهم‌ترین آثار باستانی برجای‌مانده در این منطقه پرداخته است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۵۵۱-۳۶۱). «مجیدی‌کرایی» در کتاب تاریخ و جغرافیای کوهگیلویه و بویراحمد، ضمن پرداختن به تاریخ سیاسی و اجتماعی این استان، جغرافیای تاریخی آن در طول تاریخ و نیز وجه‌تسمیهٔ نام کوهگیلویه را نیز مورد بررسی قرار داده است (مجیدی‌کرایی، ۱۳۷۷). «یعقوب غفاری» در پژوهشی مشابه به مطالعهٔ تاریخ سیاسی و اجتماعی این استان پرداخته و براساس منابع تاریخی و منابع معاصر تلاش نموده به بررسی وجه‌تسمیهٔ کوهگیلویه و جغرافیایی تاریخی و سیاسی و نیز مهم‌ترین رویدادهای سیاسی آن از دوران پیش‌از اسلام تا دوران معاصر بپردازد (غفاری، ۱۳۷۸). جواد صفی‌نژاد در کتاب عشایر مرکزی ایران، ساختار اجتماعی، اقتصادی ایلات کوهگیلویه و نیز جغرافیای تاریخی و شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی آن‌را مورد بررسی قرار داده است (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۳۳).

«روشنفکر» و «معینی‌رودبالی» در مقاله‌ای به «نقش نظامی و سیاسی ایالت کوهگیلویه در دورهٔ صفویه» پرداخته و در آن وجه‌تسمیهٔ کوهگیلویه، جغرافیای طبیعی و تاریخی کوهگیلویه، و نقش سیاسی و نظامی کوهگیلویه در تثبیت حکومت صفویان را مورد توجه قرار داده‌اند (روشنفکر و معینی‌رودبالی، ۱۳۹۹). «سیاهپور» نیز با مطالعهٔ جغرافیای تاریخی و سیاسی بهبهان و کوهگیلویه، جایگاه سیاسی و اجتماعی ولایت کوهگیلویه را از سقوط زندیه تا دورهٔ ناصری مورد ارزیابی قرار داده است (سیاهپور، ۱۳۹۵).

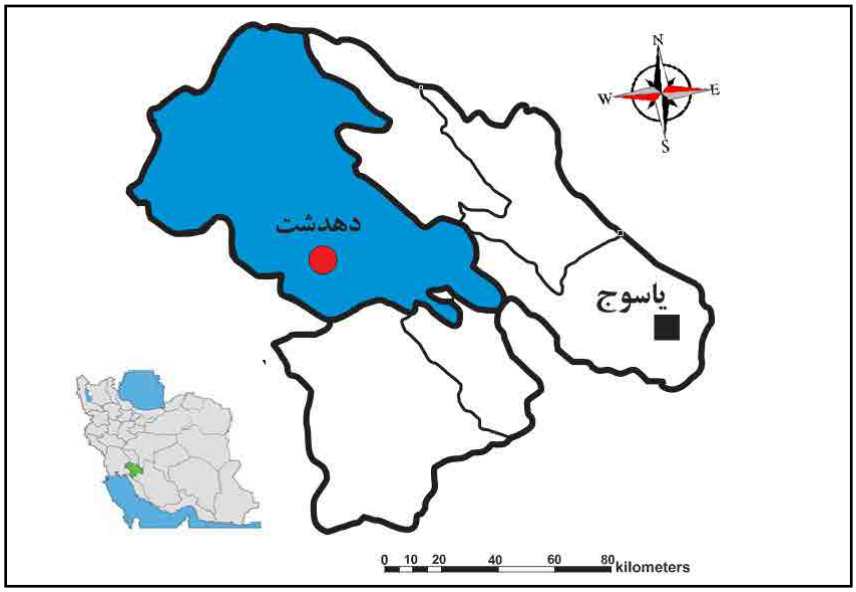
هم‌چنان‌که اشاره شد، تاکنون ذکری از شهر کوهگیلویه در این منابع به‌میان نیامده و در فهرست ضرابخانه‌های ایران کمتر اثری از ضرابخانهٔ کوهگیلویه مشاهده شده است. برای نخستین‌بار «علاءالدینی» در کتاب سکه‌های ایران از اواخر ایلخانان تا دورهٔ استیلای تیمور گورکان، در بخش سکه‌های اتابکان لر، تصویر سکه‌ای با ضرب کوهگیلویه منتشر کرده است (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱) که با وجود اهمیت این سکه، نویسنده از ارائهٔ اطلاعات بیشتر درمورد این سکه و محل کشف آن خودداری و تنها به انتشار تصویر آن اکتفا نموده است. این تصویر تنها اطلاعات ما از سکه‌های ضرب کوهگیلویه را تشکیل می‌دهد.

معرفی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت

ضرب سکه به‌عنوان یک عمل حاکمیتی، همواره در انحصار حکومت مرکزی بوده و ضرب بدون اجازهٔ حکومت مرکزی، نوعی تمرد و اعلان استقلال و جنگ محسوب می‌شد (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۲۶؛ محمدی‌فر و خونانی، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۳). محل ضرب سکه، اشاره به یک مرکز شهری با قدرت سیاسی و اقتصادی برتر و اثرگذاری بر سایر مراکز شهری اطراف خود در سطح منطقه دارد (محمودآبادی و منصوریان، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸). درواقع ضرب سکه، تنها در مراکز مهم شهری با قدرت تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی، اقتصاد و نظامی منطقه و شهرهای پیرامونی و هم‌چنین با کسب اجازه از دولت مرکزی امکان‌پذیر بوده است. به‌همین دلیل شهرهای محل ضرب سکه، نشان از میزان اهمیت و جایگاه این شهرها، در آن دورهٔ خاص دارد و با بررسی و مقایسهٔ آن‌ها، ضمن بازشناسی زوایای تاریک و ناشناخته، می‌توان جایگاه سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی مذهبی، رشد و رونق و یا افول شهرها را در هر دوره‌ای نسبت به دورهٔ قبل یا بعد مورد ارزیابی قرار داد.

کمبود اطلاعات تاریخی درمورد منطقهٔ کوهگیلویه و اهمیت سکه‌ها و اطلاعات موثق و قابل‌اطمینانی که ازطریق مطالعهٔ این منابع اطلاعاتی قابل استخراج است، موجب شده تا در این پژوهش به سکه‌های کشف‌شده از این منطقه پرداخته شود. با وجود کمبود پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه، تاکنون تعداد چند صد سکه به‌صورت اتفاقی از شهر تاریخی دهدشت کشف شده که موردتوجه پژوهشگران و محققین قرار نگرفته است. مهم‌ترین مجموعهٔ سکه‌های کشف‌شده از شهر، مجموعهٔ گنجینه‌ای متشکل از ۱۹۳ سکهٔ نقره‌ای است که در سال ۱۳۸۸ هـ.ش.، طی عملیات آواربرداری و مرمت آرامگاه پیرغازی در بخش رواق شهر تاریخی دهدشت در استان کوهگیلویه و بویراحمد کشف شده است (نقشهٔ ۱ و تصاویر ۱ و ۲). این گنجینهٔ کوچک و ارزشمند در عملیات ساماندهی و مرمت دیوار میان بخش گنبدخانه و شبستان آرامگاه به‌دست آمد که متأسفانه هیچ‌گونه مستندنگاری از نحوهٔ کشف و جاسازی آن در هنگام کشف انجام نگرفته است (تصویر ۳).

مطالعات صورت‌گرفته برروی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهد که ۸۰٪ از این سکه‌ها از نوع سکه‌های سوشارژی و بقیه از نوع سکه‌های ضرب معمولی هستند. سوشارژ یا انگ جدید به‌معنای ضرب نام، علامت یا اضافه کردن هرگونه اضافات جدید برروی



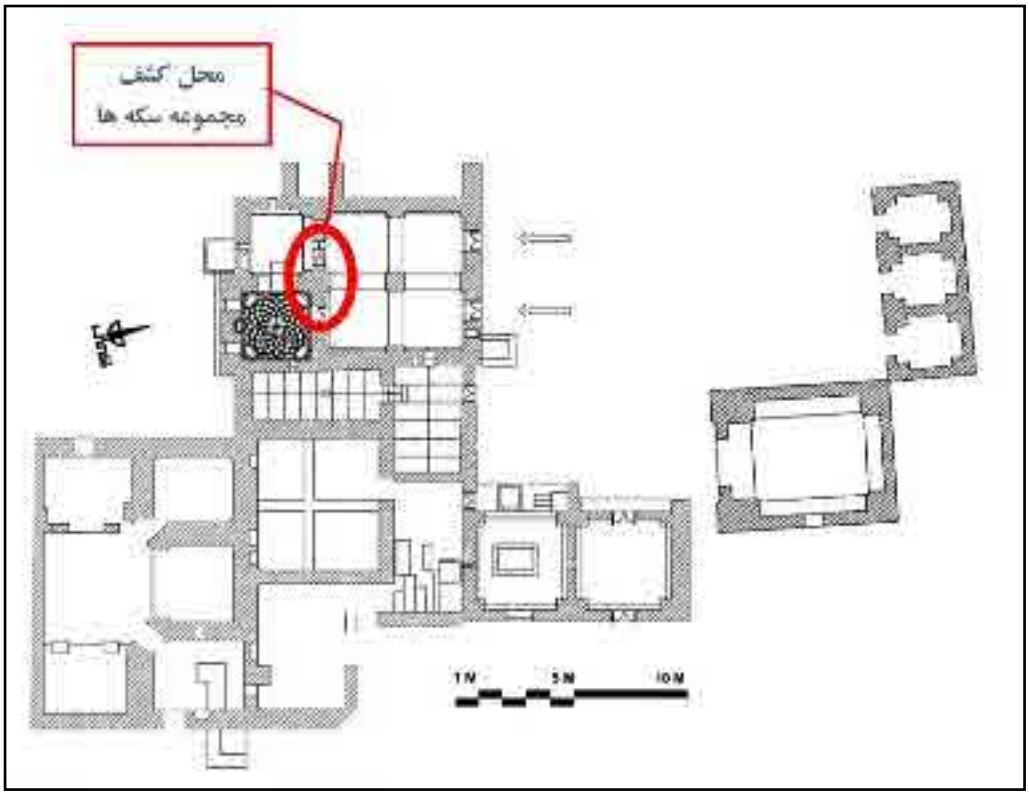
نقشهٔ ۱. موقعیت شهر تاریخی دهدشت و شهرستان کوهگیلویه تا پیش از تفکیک شهرستان‌های بهمئی، لنده و چرام، از آن (http://irannama.iran.ir/106/-/wiki/Main).



تصویر ۱. شهر تاریخی دهدشت و موقعیت آرامگاه پیرغازی تا پیش از رشد و گسترش شهر جدید دهدشت در دههٔ پنجاه هجری‌شمسی (بایگانی سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. مجموعهٔ آرامگاهی پیرغازی در میان بافت مسکونی امروزی (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویـر ۳. محـل کشـف مجموعـهٔ سـکه‌های موردمطالعـه در مجموعـهٔ آرامگاهـی پیرغـازی (نگارنـدگان، ۱۳۹۸).

سـکهٔ دوره‌هـای قدیمی‌تـر اسـت، بی‌آن‌کـه تغییـری در ماهیـت یـا شـکل ظاهـری آن‌هـا ایجـاد شـود (شـهبازی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۴). ضـرب ایـن نـوع سـکه‌ها در دورهٔ ایلخانـی رایـج و در دورهٔ آق‌قویونولوها بـه اوج خـود می‌رسد کـه می‌تـوان دلایـل مختلفـی چـون کیفیـت مناسـب سـکه‌های دورهٔ قبـل (مشـکور، ۱۳۵۲: ۴۳۷-۴۳۶)، جنگ‌هـای مـداوم بـا همسـایگان و یـا جنگ‌هـای خانوادگـی میـان مدعیـان حکومـت (سـرفراز و آورزمانـی، ۱۳۸۹: ۲۳۸) را بـرای رواج ایـن سـکه‌ها مطـرح نمـود.

سـکه‌های مکشـوف بـه دورهٔ حکومـت ترکمانـان آق‌قویونلـو و دورهٔ زمامـداری «اوزون‌حسـن» (۸۸۲-۸۵۷ هـ.ق.) تـا سـلطان‌محمد (۹۰۶ هـ.ق.) تعلـق دارد و نـام شـش تـن از حاکمـان آق‌قویونلوهـا بـا نـام شـهرهایی چـون: شـیراز، جهـرم، ارزنجـان، هنـدوان، اصفهـان، تبریـز و کوهگیلویـه به‌عنـوان محـل ضـرب دیـده می‌شـود. ایـن سـکه‌ها از ارزش مطالعاتـی یکسـانی برخـوردار نیسـتند، چراکـه نوشـته‌های برخـی از ایـن سـکه‌ها در اثـر عوامـل مختلفـی چـون کیفیـت پاییـن ضـرب و یـا سـایش در اثـر اسـتفاده، قابـل خوانـدن نیسـتند و لـذا اطلاعـات کافـی از آن‌هـا قابل‌برداشـت نیسـت. براسـاس بررسـی‌های صورت‌گرفتـه، تعـداد ۱۴ سـکه از ایـن مجموعـه در ضرابخانـهٔ کوهگیلویـه و در زمـان سـه تـن از حاکمـان ایـن دوره (سـلطان‌یعقوب، سـلطان‌رسـتم، سـلطان‌مراد) ضـرب شـده‌اند.

نخسـتین‌بار در زمـان «سـلطان‌یعقوب» (۸۹۶-۸۸۳ هـ.ق.) نـام کوهگیلویـه بـرروی سـکه‌های ایـن دوره ضـرب شـده اسـت. تعـداد کل سـکه‌های ضرب‌شـدهٔ زمـان حکمرانـی سـلطان‌یعقوب در ایـن مجموعـه، هشـت سـکه اسـت کـه محـل ضـرب دو سـکه، کوهگیلویـه اسـت. متـن روی سـکه‌های سـلطان‌یعقوب شـامل نـام، ضرابخانـه و سـال ضـرب اسـت و پشـت آن‌هـا نیـز آیـهٔ «فَمَـن یعْمَـلْ مِثْقَـالَ ذَرَّهٔ خَیـراً یـرَهُ» (قـرآن مجیـد، سـورهٔ زلزلـه: آیـهٔ ۷) آمـده اسـت. وزن ایـن سـکه‌ها بیـن ۵/۰۷ تـا ۵/۱۱ گـرم در نوسـان اسـت کـه تـا حـدودی هـم‌وزن سـکه‌های زمـان اوزون‌حسـن هسـتند و بـا یکدیگـر اختـلاف وزن چندانـی ندارنـد (جـدول ۱، سـکه‌های شـمارهٔ ۱ و ۲).

سکه‌های زمان «سلطان‌رستم» (۹۰۲-۸۸۹ هـ.ق.) با ۶۴ سکه، به‌لحاظ آماری، بیشترین تعداد سکه‌های ضرب حکمرانان آق‌قویونلو را درمیان این مجموعه به خود اختصاص داده است و وزنی بین ۴/۹۸ تا ۵/۱۱ گرم دارند. از این تعداد، ۵۸ سکه از نوع سکه‌های سوشارژی هستند که اغلب روی سکه‌های دورهٔ تیموری ضرب شده‌اند. روی سکه‌ها نام سلطان و نام ضرابخانه و پشت آن‌ها معمولاً آیهٔ «فَمَن یعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیراً یرَهُ» (همان)، لا اِلهَ اِلاَ الله، محمد رَسُول‌الله، نام پیامبر (محمد رسول‌الله[ﷺ]) و در یک مورد نام «بایسنقر» به‌صورت «عدل السلطان بایسنقر» آمده است. ۱۱ عدد از این سکه‌ها ضرب کوهگیلویه است. بنا به دلایل متعددی چون کیفیت پایین ضرب و سایش در اثر استفاده طولانی‌مدت، اغلب سال ضرب آن‌ها نامشخص است و وزنی بین ۵/۰۱ - ۵/۱۱ گرم دارند (جدول ۱، سکه‌های شمارهٔ ۱۳-۳).

سکه‌های مربوط به زمان «سلطان‌مراد» (؟- ۹۰۳ هـ.ق.)، ۱۹ عدد و همگی بدون سوشارژ و از نوع سکه‌های معمولی هستند. روی این سکه‌ها نام حاکم (السلطان العادل ابوالمظفر مراد/السلطان ابوالمظفر مراد خلدالله ملکه/ السلطان العادل ابوالمظفر مراد/مظفر مراد/ ابوالمظفر مراد خلدالله)، محل ضرب و سال ضرب و پشت آن «علی/ محمد/ موسی/ الله/ محمد» و آیهٔ «فَمَن یعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیراً یرَهُ» (همان) آمده است. برخلاف سکه‌های حاکمان گذشته، وزن آن‌ها تا حدود زیادی کاهش یافته و دچار نوسان است. وزن این سکه‌ها بین ۱/۲۰ تا ۲/۵۳ گرم است که نشان از وضعیت سیاسی و اقتصادی نابسامان این دوره دارد. از بین این سکه‌ها، یک سکه ضرب کوهگیلویه است که برخلاف سکه‌های قبلی ضرب کوهگیلویه که همگی سوشارژی بودند، این سکه از نوع سکه‌های معمولی است (جدول ۱، سکهٔ شمارهٔ ۱۴). در این دوره، مانند اغلب ضرابخانه‌ها، از وزن سکه‌های ضرابخانهٔ کوهگیلویه به‌شدت کاسته شده است. وزن این سکه ۱/۲۰ گرم است و درمیان ضرابخانه‌های دورهٔ «سلطان‌مراد»، در زمرهٔ ضعیف‌ترین ضرابخانه‌ها قرار می‌گیرد. این امر به عدم ثبات سیاسی، کشمکش شاهزادگان بر سر قدرت و دورهٔ کوتاه‌مدت حکومت سلطان‌مراد بود (خواندمیر، ۱۳۵۳ ج ۴: ۴۴۷-۴۴۵؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۷۹: ۷۳۵-۷۳۴) که تأثیر منفی بر سکه‌های ضرب کوهگیلویه داشته است.

ضرابخانهٔ کوهگیلویه

نخستین‌بار در دورهٔ اتابکان لر نام کوهگیلویه در لیست ضرابخانه‌ها آمده است. این ضرابخانه درکنار ایذه، رامهرمز و گندمان، مهم‌ترین ضرابخانه‌های این حکومت را تشکیل می‌دادند. روی یکی از سکه‌های دورهٔ اتابکان لر که اخیراً کشف‌شده، نام کوهگیلویه به‌عنوان محل ضرب آمده است (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱). این سکه دارای تاریخ ۷۵۷ هـ.ق.، و فاقد نام حاکم است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چنین الگویی برای سایر سکه‌های مستقل این دوره نیز وجود دارد. از حاکمان اتابکان لر بزرگ، سکه‌های مستقل کمی برجای مانده و سکه‌های این دوره، اغلب به‌نام حکومت‌های مقتدرتر هم‌زمان خود چون: ایلخانان، آل‌اینجو، آل‌مظفر و... ضرب می‌شده است (همان: ۱۷۸-۱۷۷).

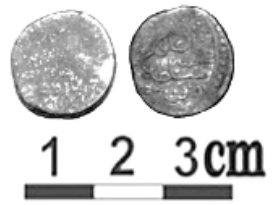
اگرچه سکهٔ ضرب کوهگیلویه در این دوره فاقد نام حاکم است، اما براساس مطالعات صورت‌گرفته و با درنظر گرفتن تاریخ ضرب، این سکه متعلق به «نورالوردبن سلیمان‌شاه» (۷۵۷-۷۴۰ هـ.ق.) یا «اتابک پشنگ‌بن سلغرشاه» (۷۹۲-۷۵۷ هـ.ق.) است (مینورسکی، ۱۳۶۲: ۴۳-۴۲؛ کتبی، ۱۳۶۴ : ۱۰۹-۱۰۱ و ۵۲)، (تصویر ۳). کشف این سکه نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه قبل از دورهٔ آق‌قویونلوها نیز از اهمیت و اعتبار برخوردار بوده، اما کمتر موردتوجه منابع تاریخی قرار گرفته و از آن نامی برده نشده است.

به‌نظر می‌رسد تحولات و رویدادهای سیاسی و نظامی و در مرحلهٔ گذر و دست‌به‌دست شدن این شهر بین اتابکان لر و آق‌قویونلوها، تأثیر محسوسی در کاهش اهمیت شهر کوهگیلویه نداشته است.

جدول ۱. مشخصات سکه‌های ضرب کوهگیلویه در زمان سه حاکم، سلطان‌یعقوب، سلطان‌رستم و سلطان‌مراد (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شمارهٔ	تصویر پشت و روی سکه	تصویر عبارت ضرابخانه برروی سکه‌ها	مشخصات سکه
۱			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان‌یعقوب وزن: ۵/۰۹ گرم متن پشت سکه: عدل حسن‌بیگ قطر: ۱/٤ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ۸۹۱ هـ.ق.
۲			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان‌یعقوب وزن: ۱/٦ گرم متن پشت سکه: – قطر: ۱/۱ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۱ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ۸۹۱ هـ.ق.
۳			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان‌رستم وزن: ۵/۰۹ گرم متن پشت سکه: فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/٦ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۴			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۱ گرم متن پشت سکه: فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/۰۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۵			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۱۱ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/٤ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ۸۹۹ هـ.ق.
۶			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۱۰ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۲ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر

۷			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۲ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۸			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان‌رستم وزن: ۵/۰۱ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۰۴ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۹			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۷ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۱۰			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۵ گرم متن پشت سکه: الله محمد قطر: ۱/۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۱۱			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۵ گرم متن پشت سکه: عدل سلطان‌بایسنقر قطر: ۱/۰۷ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ

۱۲			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۸ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/٦ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ۸۹۲ هـ.ق.
۱۳			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰٤ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۷ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ؟
۱۴			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم‌سلطان وزن: ۵/۰۸ گرم متن پشت سکه: فمن یعمل مثال ذره خیرا یره قطر: ۱/۷ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشارژ سال ضرب: ۸۹۲ هـ.ق.
۱۵			جنس سکه: نقره متن روی سکه :السلطان ابوالمظفرمراد خلدالله ملکه وزن: ۱/۲۰ گرم متن پشت سکه: فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/٤۸ سانتی‌متر محل ضرب: کوه‌کیلویه ضخامت: ۱ میلی‌متر نوع ضرب: عادی سال ضرب: ؟



تصویر ۳. سکهٔ کشف‌شده از دورهٔ اتابکان لر، ضرب کوهگیلویه (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

ضرب سکه‌های متعدد از حاکمان آق‌قویونلو، با ضرب کوهگیلویه که بعضاً از کیفیت و وزن بالایی در میان سایر ضرابخانه‌های این دوره برخوردار است، نشان می‌دهد که نه‌تنها این شهر در دورهٔ گذار از اتابکان به آق‌قویونلوها دچار افول و رکود نشده، بلکه توانسته با حفظ جایگاه گذشتهٔ خود تبدیل به یکی از فعال‌ترین و مهم‌ترین ضرابخانه‌های این دوره شود.

با وجود اهمیت این شهر در قرون میانهٔ اسلامی، امروزه از نام و مکان دقیق این شهر اطلاعی در دست نیست و کاملاً ناشناخته باقی‌مانده است. این درحالی است که روشن شدن موقعیت مکانی شهر کوهگیلویه می‌تواند کلیدی برای حل بسیاری از ابهام‌های موجود در حوزه‌های جغرافیای تاریخی، وضعیت سیاسی و اجتماعی و نیز تاریخ محلی این منطقه از ایران در طول قرون میانهٔ اسلامی باشد.

مکان‌یابی شهر کوهگیلویه براساسِ بررسی و تحلیل منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی

ناحیه یا منطقهٔ کوهگیلویه که منابع تاریخی از آن نام‌برده‌اند، در طول دوره‌های مختلف حیات اجتماعی خود، دارای قلمرو و محدودهٔ جغرافیایی ناپایداری بوده و بسته به قدرت سیاسی و نظامی حاکمان آن، از گسترهٔ مختلفی برخوردار بوده است. در منابع تاریخی هیچ‌گاه از کوهگیلویه به‌عنوان یک شهر نامی برده نشده و از آن به‌عنوان ناحیه یا منطقهٔ کوهگیلویه یاد شده است.

در قرون اولیهٔ اسلامی، کوهگیلویه به مناطق کوهستانی بین اصفهان، خوزستان و فارس اطلاق می‌شد که در قرون میانهٔ اسلامی با گسترش و اوج‌گیری قدرت سیاسی و نظامی اقوام کوچ‌نشین ساکن این مناطق -به‌ویژه «زم‌گیلویه»- قلمرو آن به‌سمت مناطق پست و هموار جنوبی گسترش می‌یابد (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۲۶؛ یاقوت، ۱۳۸۳: ۵۵۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۶). نفوذ و تداوم سلطهٔ کوچ‌نشینان بر مناطق پست و هموار جنوبی به‌گونه‌ای بود که به‌صورت بلندمدت در آن ساکن شده و نام این مناطق به کوهگیلویه تغییر یافت. با توجه به تغییر نام مناطق تحت‌تسلط زم‌گیلویه به‌نام این اقوام، امکان تغییر نام شهر قدیمی‌تر در این منطقه نیز محتمل به‌نظر می‌رسد.

قدیمی‌ترین سکه‌های کشف‌شده با محل ضرب کوهگیلویه به قرون هشتم و نهم هجری‌قمری، و دورهٔ حکومت اتابکان لر بازمی‌گردد. این امر نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه پیش از دورهٔ آق‌قویونلوها نیز شهری آباد و دارای نقشی فعال در فعل و انفعالات سیاسی، نظامی و اقتصادی این بخش از ایران بوده، که پس از دورهٔ آل‌بویه و سپس دورهٔ سلجوقیان در اثر عوامل مختلفی چون: عدم ثبات سیاسی، آشوب و ناامنی (مستوفی، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۵۰؛ ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۴۱)، وقوع بلایای طبیعی (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۲۱) و شیوع بیماری‌های واگیردار از رونق افتاده است (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴ : ۵۰-۴۹؛ گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۰۲). این شهر با تسلط اتابکان و سپس آق‌قویونلوها در سایهٔ رسیدگی و توجه کافی، تا حدودی رونق گذشته خود را باز یافته و به شهری راهبردی با قدرت تأثیرگذاری فرامنطقه‌ای تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که تبدیل به یکی از مهم‌ترین شهرها و ضرابخانه‌های منطقهٔ جنوب ایران می‌شود.

هرچند موقعیت شهر کوهگیلویه ناشناخته مانده، اما با توجه به اهمیت این شهر در قرون میانهٔ اسلامی می‌توان با بررسی محوطه‌های تاریخی این محدودهٔ جغرافیایی، موقعیتی هرچند تقریبی برای آن پیشنهاد داد. براساس بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته (آزادی، ۱۳۸۸)، محوطه‌های تاریخی منطقهٔ کوهگیلویه و حوزهٔ نفوذ آن، تنها دو شهر تاریخی بهبهان و دهدشت، شرایط لازم را (وسعت محوطه، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی) به‌عنوان محل احتمالی شهر کوهگیلویه دارا هستند. این دو شهر، مهم‌ترین مراکز شهری ایالت کوهگیلویه در دورهٔ صفویه نیز به‌شمار می‌رفتند و مرکزیت کوهگیلویه میان این دو مرکز شهری دائماً دست‌به‌دست می‌شد

(ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۷۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۲۷۳؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۱) که در ادامه جهت مکان‌یابی شهر کوهگیلویه به این دو شهر بیشتر پرداخته خواهد شد.

پیش از شکل‌گیری شهر بهبهان، مهم‌ترین مرکز شهری منطقه، شهر ارجان بود که در طول قرون ۷-۵ هـ.ق. در اثر عوامل مختلف انسانی و طبیعی از رونق افتاده و متروک می‌شود (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰ و ۴۹؛ گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۳). قدیمی‌ترین اشاره مبنی‌بر وجود استقراری به‌نام «بهبهان» به اواسط قرن ۸ هـ.ق. (۷۵۷ هـ.ق.) بازمی‌گردد (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۳-۷۲) و از این تاریخ به‌بعد در منابع تاریخی از بهبهان بیشتر یاد شده است (زرکوب‌شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۷). منابع تاریخی تا اواخر قرن هشتم هجری‌قمری، از بهبهان به‌عنوان یک استقرارگاه بین‌شهری نام می‌برند، اما به‌سرعت به شهری با برج و باروی دفاعی ارتقاء یافته است (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۳؛ یزدی، ۱۳۸۷ ج ۱: ۷۰۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ج ۳: ۳۲۳). اطلاعات ما از بهبهان قبل از دورهٔ صفویه تا حدودی مبهم است، اما قدرمسلّم آن است که اوج رشد و شکوفایی شهر بهبهان به دورهٔ صفویه بازمی‌گردد (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۶۰۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۷۵-۱۴۷۴). مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که این شهر از سال ۷۵۰ هـ.ق.، تا به امروز همواره با نام بهبهان شناخته می‌شود و هیچ‌گونه ابهامی درمورد نام آن در طول قرون هشتم و نهم هجری‌قمری، وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان شهر بهبهان را با شهر کوهگیلویه که در این برههٔ زمانی به‌عنوان یکی از ضرابخانه‌های مهم و فعال به ضرب سکه می‌پرداخت، یکی دانست.

شهر تاریخی دهدشت در استان کهگیلویه‌وبویراحمد، شهرستان کوهگیلویه و در بخش جنوبی شهر جدید دهدشت قرار دارد (نقشهٔ ۱). این شهر مهم‌ترین مرکز شهری دوران اسلامی استان کهگیلویه‌وبویراحمد است که به‌دلیل کمبود منابع تاریخی و فقدان کاوش‌های باستان‌شناسی تاحدود زیادی ناشناخته باقی‌مانده است. از زمان ساخت این شهر اطلاعات دقیقی در دست نیست و نخستین‌بار در منابع تاریخی اواخر قرن دهم هجری‌قمری، از آن نام‌برده شده است (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۷۵-۲۷۲). با وجود این، توصیف منابع این دوره از وضعیت شهر، نشان از حیات و رونق شهر تاریخی دهدشت قبل از دورهٔ صفویه دارد (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱).

بررسی منابع تاریخی پیش از دورهٔ صفویه هرچند به‌صورت مستقل، اشاره به‌وجود استقرارگاه یا شهری به‌نام دهدشت ندارد، اما براساس توصیفاتی که از محدودهٔ جغرافیایی استقرارگاه‌ها و شهرهای این منطقه دارند، می‌توانند ما را در شناخت مهم‌ترین شهرهای منطقه‌ای که تحت‌عنوان «کوهگیلویه» می‌شناسیم، یاری نمایند. منابع تاریخی مهم‌ترین مراکز استقراری منطقهٔ کوهگیلویه در پیش از دورهٔ صفویه را «بلاد شاپور» می‌دانند. نخستین‌بار «اصطخری» و «مقدسی» در قرن چهارم هجری‌قمری، به بلاد شاپور اشاره می‌کنند. اصطخری اطلاعات چندانی از آن به‌دست نمی‌دهد و بلاد شاپور را در زمرهٔ نواحی کوره‌شاپور آورده (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۲) و مقدسی هم از بلاد شاپور به‌عنوان یکی از شهرهای ساخته‌شده به‌دست شاپور اول نام‌برده و از این شهر، در زمرهٔ شهرهای کوهستانی «کوره‌ارجان» یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۵-۶۳۱). وی برای مشخص نمودن موقعیت جغرافیایی بلاد شاپور، تنها به ذکر کوهستانی بودن آن اکتفا می‌کند، اما توصیفات «ابن‌بلخی» (قرون پنجم و ششم هجری‌قمری) درمورد این شهر، اطلاعات بیشتری از موقعیت آن در اختیار ما قرار می‌دهد. ابن‌بلخی از واژهٔ «ناحیه» به‌جای «شهر» برای «بلاد شاپور» استفاده کرده و آن‌را جزو کوره‌شاپور آورده است؛ وی درمورد وضعیت بلاد شاپور می‌نویسد: «بلاد شاپور میان پارس و خوزستان است. نواحی خراب و به روزگار قدیم سخت آباد بوده است، اما اکنون خراب شده است و گرمسیر معتدل است و آب‌های روان دارد» (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۴۱).

با توجه به این‌که رود طاب یا کردستان (مارون فعلی) مرز خوزستان و فارس را در بخش‌های کوهستانی تشکیل می‌داد، می‌توان با مبنا قرار دادن توصیفات مقدسی (مبنی‌بر کوهستانی بودن)

و ابن‌بلخی (نزدیکی به مرز خوزستان و فارس)، موقعیت شهر بلاد شاپور را در بخش‌های شرقی رودخانهٔ مارون و در حدود شهر امروزی دهدشت و حوزهٔ نفوذ[1] آن مکان‌یابی نمود؛ جایی‌که نه‌تنها نزدیک به مرزهای سیاسی دو ایالت بزرگ ایران بوده، بلکه به‌دلیل قرارگیری در دامنهٔ کوهستان زاگرس و کوه‌های بزرگی چون: کوه سیاه و نیل، از شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی مناسبی جهت ایجاد زیستگاه و شهری بزرگ برخوردار بوده است.

بعد از توصیفات ابن‌بلخی تا قرن هشتم هجری‌قمری، هیچ‌گونه اطلاعی از بلاد شاپور و وضعیت آن موجود نیست، اما می‌توان تصور نمود که این منطقه مانند سایر بخش‌های کوره‌ارجان، تحت‌تأثیر عوامل مخرب طبیعی و انسانی دچار تغییرات عمیق سیاسی، اجتماعی و تخلیه یا تغییر بافت جمعیتی شده است؛ به‌عنوان مثال، بین سال‌های ۴۴۴ تا ۴۷۸ هجری‌قمری، دو زمین‌لرزه در این منطقه به‌وقوع پیوست که موجب تخریب بسیاری از خانه‌ها و کشته‌شدن جمع کثیری از اهالی این منطقه شد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ۲۹۴ و ۱۲۱) و یا جنگ‌های آل‌بویه با خوارج، غارت بنادر گناوه و سینیز توسط قرامطه، جنگ‌های میان سلجوقیان و قرامطه و منازعات اسماعیلیان به‌نوبهٔ خود موجب از بین رفتن امنیت تجاری و بازرگانی، ویرانی بنادر و از رونق افتادن زندگی شهرنشینی در بلاد شاپور و کوره‌ارجان شد (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۰۲)؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که بلایای طبیعی چون خشکسالی و قحطی، زلزله، شیوع بیماری‌های واگیردار، ناامنی ناشی از فعالیت‌های قرامطه و اسماعیلیه و در پی آن، ایجاد ناامنی و تخریب و از بین رفتن بسیاری از زیرساخت‌های کشاورزی تجاری، مهم‌ترین دلایل کاهش حوزهٔ نفوذ و از رونق افتادن کوره‌ارجان و بلاد شاپور بوده باشند.

«عبدالله بیضوی» در قرن هفتم هجری‌قمری، و شریف‌الدین قزوینی در قرون هفتم و هشتم هجری‌قمری، در ذکر اقدامات مهم شاپور اول از بلادشاپور نام می‌برند (بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹ و قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷) و در قرن هشتم هجری‌قمری، حمدالله مستوفی تقریباً توصیفات مشابه ابن‌بلخی دارد و بلاد شاپور را ناحیه‌ای بین فارس و خوزستان، با هوایی معتدل، آب‌های روان و اکثراً خراب توصیف می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۶: ۱۵۲) که احتمالاً در توصیفات خود، از کتاب فارسنامهٔ ابن‌بلخی بهره گرفته باشد. از توصیفات مستوفی چنین برداشت می‌شود که منطقه و شهر بلاد شاپور تا قرن هشتم هجری‌قمری، نتوانسته آبادانی و رونق خود را بازیابد و زندگی شهری در این منطقه دچار رکود شده است؛ رکودی که به‌احتمال ناشی از تغییر موازنهٔ قدرت و تغییر بافت جمعیتی منطقه، از جوامع یکجانشین روستایی و شهری به دامداری و کوچ‌نشین بود و می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازیابی و رونق مجدد زندگی شهرنشینی در این منطقه را تغییر بافت جمعیتی و معیشتی و غلبهٔ معیشت و زندگی کوچ‌نشینی بر زندگی شهرنشینی دانست. این تغییر بافت معیشتی و جمعیتی، کوهستانی بودن و عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر، موجب نابسامانی و ناامنی در منطقه و در پی آن، از دست دادن موقعیت ارتباطی و تغییر مسیرهای مواصلاتی شد. با این‌همه در آغاز قرن هشتم هجری‌قمری، اتابکان لر تلاش‌ها و اصلاحات عمرانی چندی را جهت سامان‌دادن به این وضعیت و بازگرداندن امنیت و رونق و آبادانی سابق در پیش گرفتند که گزارش «ابن‌بطوطه» و توصیفاتی که از مشاهدات خود در طول سفر و عبور از قلمرو تحت حکومت اتابکان لر دارد، به‌خوبی اثر این‌گونه تلاش‌ها و بازگشت نسبی رونق و آبادانی به منطقه را نشان می‌دهد (ابن‌بطوطه، ۱۳۶۹ ج ۱: ۲۶۹-۲۴۰).

ناامنی‌ها و ویرانی‌های پس از دورهٔ آل‌بویه ارتباط مستقیمی با گسترش قلمرو «زم‌جیلویه» یا «گیلویه» طی قرون پنجم و ششم هجری‌قمری دارد. با از بین رفتن قدرت آل‌بویه و زوال کوره‌ارجان و نیز کاهش قدرت سلجوقیان، اقوام شبانکاره به‌مرور قدرت خود را در منطقه افزایش دادند و حکومت فارس را در دست گرفتند (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۳۹۲-۳۹۱). تشکیل حکومت

شبانکاره در اوج‌گیری زموم فارس، نقشی چشمگیر و تعیین‌کننده داشت و این‌امر موجب گسترش قلمرو زم‌جیلویه به‌عنوان یکی از «زموم»[۲] پنج‌گانهٔ فارس شد. براساس توصیفات مقدسی و «یاقوت‌حموی»، تا قبل از قدرت‌گیری شبانکاره‌ها مرزهای جغرافیایی و استقراری زم‌گیلویه یا زم‌میجان که دارای معیشت دامداری و کوچ‌نشینی بودند، فقط بخش‌های کوهستانی شمال و شمال‌شرقی استان امروزی کهگیلویه‌وبویراحمد، شمال‌غرب استان فارس و بخش‌هایی از جنوب استان‌های چهارمحال‌وبختیاری و اصفهان را شامل می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۶؛ یاقوت، ۱۳۸۰ ج ۲: ۵۵۲). پس از این تغییر و تحولات سیاسی، مرزهای جغرافیایی زم‌گیلویه به‌طور چشمگیری گسترش پیدا کرد و ضمن حفظ قلمرو کوهستانی خود، مناطق و مراکز شهری مناطق پست و هموار جنوبی را که شامل بخش عمده‌ای از کوره‌ارجان، شاپور و بخش‌هایی از خوزستان می‌شد، تحت‌سلطهٔ خود درآوردند؛ به‌طوری‌که در قرون هفتم و هشتم هجری‌قمری، دیگر استفاده از نام کوهگیلویه جهت مخاطب قرار دادن مناطق ذکرشده متداول شد و «عبدالله بیضوی» در قرن هفتم هجری‌قمری، و «شریف‌الدین قزوینی» در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری‌قمری، از این مناطق با عنوان کوهگیلویه و بلاد شاپور را به‌عنوان بخشی از آن نام‌بردند (بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹؛ قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

نقطهٔ ابهام و حلقهٔ گمشده درمورد وضعیت بلاد شاپور، به برههٔ زمانی میانه و اواخر قرن هشتم تا قرن دهم هجری‌قمری برمی‌گردد. پس از اشارهٔ حمدالله مستوفی به بلادشاپور در قرن هشتم هجری‌قمری تا دورهٔ صفویه هیچ‌گونه صحبتی از این شهر به میان نیامده و درمورد رویدادها و وقایع تاریخی آن، اطلاع چندانی در دسترس نیست. با توجه به سکوت مطلق منابع تاریخی درمورد این منطقه، در این برههٔ زمانی و با درنظر گرفتن همجواری و ارتباط تنگاتنگ این منطقه با بهبهان در طول دوره‌های مختلف، می‌توان رویدادها و حوادث تاریخی این دو منطقه را به یکدیگر تعمیم و پیوند داد. بر این‌اساس، وضعیت کلی سیاسی این منطقه پس از قرن هشتم هجری‌قمری، تا دورهٔ صفویه، تا حدودی آرام و به‌دور از تنش، درگیری و جنگ‌های ویرانگر و خانمان‌سوز بود و همین‌امر نیز یکی از دلایل سکوت منابع تاریخی درمورد این منطقه است. آرامش و ثبات نسبی در این برههٔ زمانی موجب ترغیب و تشویق مردم به زندگی یکجانشینی و استقرار در روستاها و شهرها می‌شود، به‌گونه‌ای‌که شهر بهبهان در طی این مدت از یک استقرارگاه کوچک بر سر راه خوزستان به فارس، به‌سرعت رونق می‌یابد و تبدیل به شهری با برج و بارو می‌شود (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۱-۱۹). چنین وضعیتی برای شهر دهدشت در پیش از دورهٔ صفویه (قرون هشتم و نهم هجری‌قمری) نیز قابل‌تصور است. این شهر برخلاف شهر بهبهان، دارای قدمت و پیشینهٔ شهرنشینی بوده است و بسیاری از زیرساخت‌های لازم برای استقرار زندگی شهرنشینی را دارا بود. همین‌امر در پیشرفت و بازیابی رونق گذشته آن، به‌ویژه در دورهٔ آق‌قویونلوها و سپس دورهٔ صفویه، تأثیر عمده‌ای داشته؛ به‌طوری‌که با گذشت بیش از دو قرن از سکوت منابع تاریخی، به یک‌باره در قرن دهم هجری‌قمری از آن به‌عنوان شهر دهدشت و مقر حاکم‌نشین ایالت کوهگیلویه یاد می‌شود (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۲۷۵-۲۷۲؛ افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۱۹).

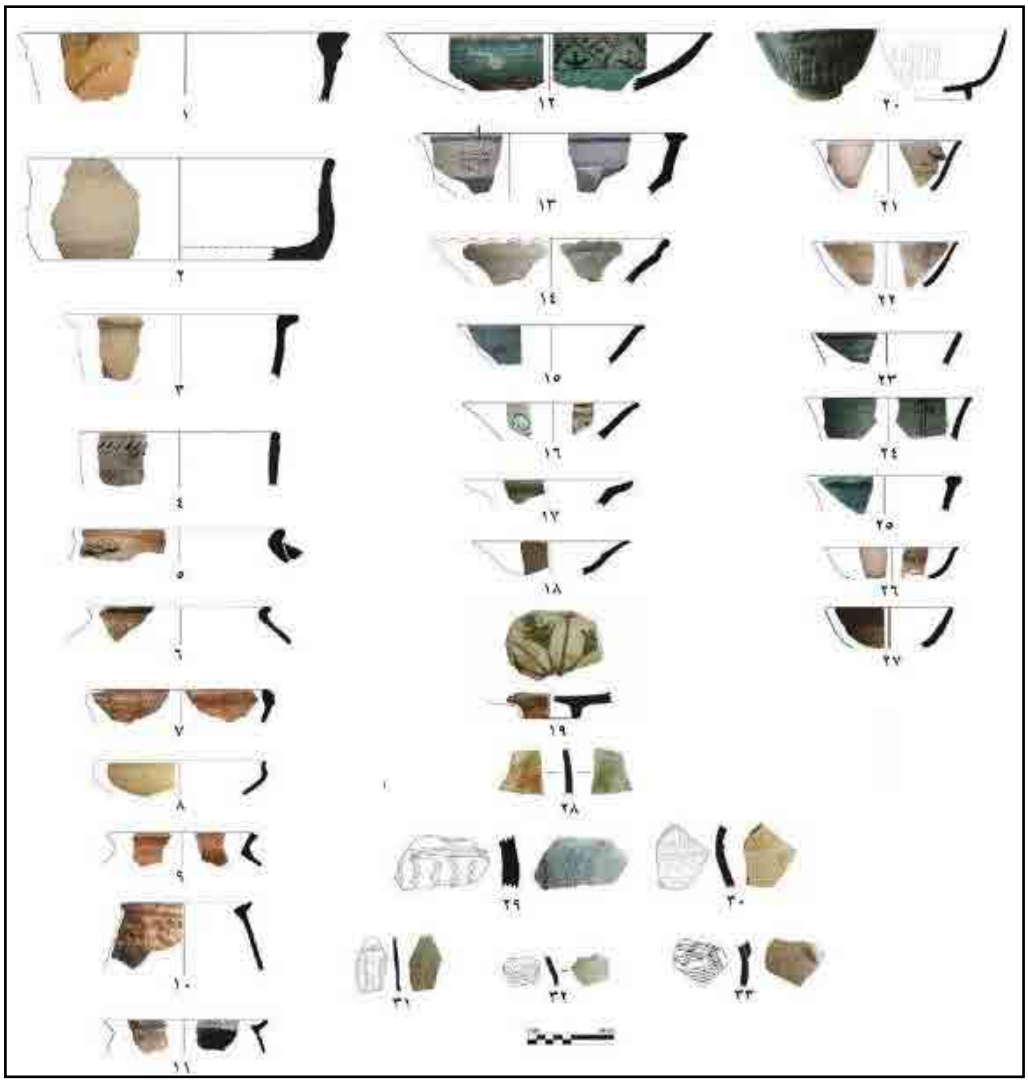
دیگر منابع دورهٔ صفویه در خلال رویدادهای سیاسی از شهر دهدشت یاد می‌کنند (واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳-۶۳۹)، اما کامل‌ترین و جامع‌ترین گزارش درمیان منابع تاریخی دورهٔ صفویه که علاوه‌بر توصیف وضعیت شهر دهدشت در این دوره، به‌وضوح موقعیت شهر بلاد شاپور را مشخص نموده و تا حدود زیادی تردیدها درمورد یکی بودن شهر بلادشاپور با شهر تاریخی دهدشت را از بین می‌برد، گزارش «حسینی‌منشی» است که در قرن یازدهم هجری‌قمری، از نزدیک شهر دهدشت را مشاهده کرده و به‌خوبی به توصیف آن پرداخته است. وی ویرانه‌های اطراف شهر دهدشت را به بلاد شاپور نسبت می‌دهد و درمورد آن می‌نویسد: «از مستحدثات شاپوربن اردشیر بابک است.

شهری عظیم بوده و الیوم شهر قدیم خراب است و آثار اطلال و دمن آن ظاهر است. لکن شهر جدید، معمور است و چهل‌وچهار قریه معمور دارد و...» (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵ :۳۲). در این‌میان تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی فسایی درمورد منطقه، به‌صراحت ابهام‌ها درمورد موقعیت کوهگیلویه را ازمیان برمی‌دارد و نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه مانند شهر دهدشت در مناطق کوهستانی منطقه قرار گرفته و فرضیهٔ یکی بودن این دو شهر را تقویت می‌نماید. وی در این تقسیم‌بندی بخش‌های شمالی و شرقی را که شرایط کوهستانی دارند «کوهگیلویه» و «پشتکوه» و بخش‌های جنوبی و غربی را که موقعیت هموارتری دارند به‌عنوان «بهبهان» و «زیرکوه» معرفی نموده است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۶۹-۱۴۶۸).

بررسی و تحلیل تصاویر هوایی مربوط به دههٔ پنجاه هجری‌شمسی، نشان‌دهندهٔ آثار حصار قدیمی و ویرانه‌های اطراف حصار متأخر شهر تاریخی دهدشت است (تصویر ۲) و مطالعهٔ یافته‌های باستان‌شناسی هم‌چون قطعات سفالی کشف‌شده از شهر تاریخی دهدشت، بر شکل‌گیری این شهر در پیش از دورهٔ صفویه صحّه گذاشته است. بررسی‌ها و مطالعات صورت‌گرفته بر مجموعهٔ یافته‌های سفالی شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهند که برخلاف تصورات و نظریات پیشین، قدمت و حیات اجتماعی شهر تاریخی دهدشت به‌مراتب بیش از چیزی است که تصور می‌شد و ساخت آن به قرن‌ها پیش از دورهٔ صفویه بازمی‌گردد (تصویر ۴، جدول ۲). می‌توان گفت که باوجود فراز و نشیب‌های تاریخی و جنگ و غارت‌ها و ایجاد وقفه در رونق آن، این شهر به‌واسطهٔ قابلیت‌های زیست‌محیطی، اهمیت سیاسی، موقعیت ویژهٔ ارتباطی و مذهبی خود، توانسته طی قرون متمادی از اواخر دورهٔ ساسانی و اوایل اسلامی تا دورهٔ قاجاریه به حیات خود ادامه داده و هربار پس از غارت و ویرانی، سر از خاکستر رکود و ویرانی بلند نموده و پس از بازسازی مجدد، خود را به‌عنوان مهم‌ترین مرکز سیاسی، اقتصادی، نظامی و بعضاً مذهبی منطقه و کانون تحولات سیاسی اجتماعی آن مطرح نماید (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۰: ۲۲۶-۲۲۵). بر این‌اساس، می‌توان شهر تاریخی دهدشت را به‌عنوان محتمل‌ترین مکان برای شهر کوهگیلویه قرون میانهٔ اسلامی معرفی نمود.

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ صورت‌گرفته برروی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت با محل ضرب کوهگیلویه، نشان می‌دهد که این سکه‌ها در دورهٔ تسلط آق‌قویونلوها بر منطقهٔ جنوب‌غربی ایران و در زمان سه حاکم سلطان‌یعقوب (۸۹۶-۸۸۳ هـ.ق.)، سلطان‌رستم (۹۰۲-۸۸۹ هـ.ق.) و سلطان‌مراد (؟-۹۰۳ هـ.ق.) ضرب شده‌اند. وزن بالا و کیفیت ضرب سکه‌های ضرب کوهگیلویه در مقایسه با سایر ضرابخانه‌های این دوره، ضرابخانهٔ کوهگیلویه را در ردهٔ معتبرترین ضرابخانه‌های دورهٔ آق‌قویونلو قرار می‌دهد. این نخستین‌بار نیست که در شهر کوهگیلویه ضرب سکه صورت می‌گرفت و پیش از این، در اواسط قرن هشتم هجری‌قمری، اتابکان لر بزرگ در این شهر اقدام به ضرب سکه کرده‌اند. برهمین‌اساس می‌توان گفت که شهر کوهگیلویه در طول قرون میانهٔ اسلامی نقش مهم و تأثیرگذاری در فعالیت‌های اقتصادی و تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی این منطقه ایفاء کرده است. باوجود اهمیت این شهر در طول قرون میانهٔ اسلامی، عدم شناخت و آگاهی از وجود آن موجب شده تا اطلاعات چندانی از وضعیت دوران قبل و بعد از قرون میانهٔ اسلامی و هم‌چنین موقعیت مکانی این شهر در دسترس نباشد؛ بنابراین درراستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش، در ارتباط با مکان‌یابی و موقعیت امروزی شهر کوهگیلویه، منابع تاریخی، کشفیات و یافته‌های باستان‌شناسی و نیز نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی مورد استفاده و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در منطقهٔ کوهگیلویه و حوزهٔ نفوذ آن، تنها دو شهر بهبهان و دهدشت شرایط و قابلیت لازم (وسعت محوطه، موقعیت ارتباطی و اقلیمی)



تصویر ۴. بخشی از سفال‌های پیش از قرن ۱۰ هـ.ق.، مکشوف از شهر تاریخی دهدشت (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جهت مکان‌یابی و پیشنهاد به‌عنوان محل شهر کوهگیلویه را دارا هستند. منابع تاریخی تأکید دارند که پیشینه و قدمت ظهور شهر بهبهان حداکثر به قرن هشتم هجری‌قمری، و به‌صورت استقرارگاه بین‌راهی در مسیر خوزستان به فارس بازمی‌گردد؛ ازسوی دیگر، هیچ‌گونه تردید و ابهامی درمورد پیشینهٔ نام بهبهان از زمان شکل‌گیری آن در قرن ۸ هـ.ق.، تا به امروز وجود ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند به‌لحاظ پیشینهٔ استقراری و نام‌گذاری آن نمی‌تواند ارتباطی با شهر کوهگیلویه‌ای داشته باشد که در قرن هشتم هجری‌قمری به‌واسطهٔ اهمیت شهر در آن عمل ضرب سکه صورت می‌گرفت؛ بنابراین تنها محوطهٔ تاریخی منطقه که به‌لحاظ قدمت و پیشینهٔ تاریخی، وسعت و موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی قابلیت قیاس با شهر کوهگیلویه را دارد، شهر تاریخی دهدشت است. مطالعهٔ یافته‌های باستان‌شناسی هم‌چون سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت نیز قدمت شهر را به دورهٔ ساسانی و اوایل اسلام برمی‌گرداند که متأسفانه از پیشینهٔ آن اطلاعی موجود نیست و به‌صورت ناگهانی و در سایهٔ تحولات سیاسی در دورهٔ صفویه معرفی شده است. این در حالی است که در کنار یافته‌های باستان‌شناسی، منابع تاریخی نیز در توصیفات خود از شهر تاریخی دهدشت، اشاره به آثار بسیار قدیمی‌تر در بیرون از حصار شهر و نیز دستور ساخت شهر

جدول ۲. ویژگی‌های فنی و گاهنگاری پیشنهادی بخشی از سفال‌های کشف‌شده در شهر تاریخی دهدشت (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شمارهٔ قطعه	توصیف قطعه	قدمت	مقایسه	مأخذ
۱	لبه و بدنه، خمیرهٔ قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نوار زیگزاگ افزوده و نقش فشاری	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم و شیوهٔ تزئین	دره‌شهر (لک‌پور، ۱۳۹۰ : ٤٩٦) تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵ : ۳۹۹، طرح C) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸ : ۸۰، طرح ۱)
۲	لبه ، بدنه و کف، لگن، نخودی، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نقش فشاری، خطوط اریب	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	میناب شوشتر (عالی و خسروزاده، ۱۳۸٤: ۲٦۱، طرح‌های ۱۰-۱)
۳	لبه و بدنه، قدح ، خمیرهٔ نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای رقیق نخودی در بیرون و درون، منقوش، رنگ قهوه‌ای، زیگزاگ روی لبه	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ٤۳۵، طرح H) مادآباد مرودشت (رحبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۰) سروستان (عسکری‌چاوردی، ۱۳۸۹: ٥٦، شکل ۷ و طرح ٤۷)
٤	لبه و بدنه، کاسه، خاکستری، کانی، دست‌ساز، پخت ناکافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نقش فشاری، خطوط اریب روی لبه	ساسانی و اوایل اسلام	فرم	سرمشهد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۱۵، طرح ۱۸)
٥	لبه و بدنه، خمره، خمیره خاکستری تیره، کانی، دست ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش کرم درون و بیرون،	قرون اولیه اسلام	فرم	سروستان (عسکری چاوردی، ۱۳۸۹: ٦۱، شکل ۱٤۸ و طرح ۱۱)
٦	لبه و بدنه، خمره، خمیرهٔ کرم، ترکیبی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش به رنگ قهوه‌ای، خطوط افقی و زیگزاگ روی سطح بیرونی	اوایل اسلامی –سلجوقی	فرم	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ٤۹۷، طرح G) سروستان (عسکری‌چاوردی، ۱۳۸۹: ۵۷، شکل ۸ و طرح ۷٤)
۷	لبه و بدنه، قدح، خمیرهٔ قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش افزوده و نیش‌گونی، رنگ قهوه‌ای، روی سطح بیرونی و درونی	اوایل اسلامی - سلجوقی	فرم و شیوهٔ تزئین	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ٤۹۷، طرح F) سروستان (عسکری‌چاوردی، ۱۳۸۹: ٥٤، شکل ۲ و طرح ۸)
۸	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی روشن، کانی، دست‌ساز، پخت ناکافی، پوشش دست مرطوب در درون و بیرون، نقش کرم تیره	قرون اولیه اسلامی		-
۹	لبه و بدنه، خمره، خمیرهٔ قرمز نارنجی، ارگانیک، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش افزوده و کنده، رنگ قهوه‌ای، نامشخص روی سطح بیرونی	سلجوقی	فرم	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ٤۲۱)
۱۰	لبه و بدنه، کوزه، خمیرهٔ کرم، ارگانیک، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش به رنگ قهوه‌ای، افقی و بچه قورباغه‌ای روی سطح بیرونی	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	مادآباد مرودشت (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۱)
۱۱	لبه و بدنه، دیگ، خمیرهٔ کرم، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب و لعاب در درون، نقوش افزوده و نیشگونی، رنگ قهوه‌ای روی سطح بیرونی	ساسانی – قرون اولیه و میانه اسلامی	فرم	مادآباد مرودشت (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۱) میناب شوشتر (خسروزاده و عالی، ۱۳۸٤: ۲۳۳، طرح‌های ۳-۱) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸ : ۸۲، طرح ۱ و ۲)

۱۲	لبه و بدنه، قدح، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه زیر لعاب سبز-آبی، درون نقوش هندسی	قرون ۶ و ۷ ه.ق.	فرم و شیوهٔ تزئین	قم (قربانی‌رضوان، ۱۳۹٤: ٦٥ و ۷۱) کن‌بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹٤: ۹۹، طرح ۲۱)
۱۳	لبه و بدنه، قدح، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب قهوه‌ای زرد درون و بیرون	سلجوقی - ایلخانی	فرم	مالین خراسان‌جنوبی (خدادوست و همکاران، ۱۳۹٦: ۱٦٦، قطعهٔ ۳٤) کن‌بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹٤: ۹۹، طرح ۲۱)
۱٤	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، سبز آبی، نقوش کنده روی لبه	سلجوقی – ایلخانی	فرم و شیوهٔ تزئین	آمل ؟ (گروبه ، ۱۳۸٤ : ۱۱٦، شمارهٔ ۱۲۹)
۱۵	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب زرد درون و بیرون	قرون ٦-۳ ه.ق.	فرم	تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ٤٦۲، طرح L) (گروبه، ۱۳۸٤: ۳۳، طرح ۲۷)
۱٦	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون زرد و بیرون آبی فیروزه‌ای، نقوش سیاه زیرلعاب زرد و فیروزه‌ای، درون و بیرون نقوش گیاهی و هندسی	قرون ۷-۵ ه.ق.	فرم و شیوهٔ تزئین	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۸، تصویر ۳۳) قم (قربانی‌رضوان، ۱۳۹٤: ۱۲۷ و ۹۳)
۱۷	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، قالبی، متوسط، پخت کافی، لعاب سبز درون و بیرون	قرن ۸–۱۰ ه.ق.	فرم	(کریمی و کیانی، ۱۳٦٤ : ۲٦۰)
۱۸	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب زرد درون و بیرون	قرن ۸–۱۰ ه.ق.	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷، تصویر ۳۱)
۱۹	بدنه و پایه، نامشخص، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون، نقوش سبز لجنی زیرلعاب مات قلعی، درون نقوش هندسی	قرون اولیه اسلامی	شیوهٔ لعاب و تزئین	شهر گور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷۱، طرح ۱۰ جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵، تصویر ۲٦)
۲۰	کامل، کاسه، خمیرهٔ نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش کندهٔ زیرلعاب سبز آبی، بدنه، نقوش کندهٔ عمودی	قرون اولیه اسلامی تا قرن ٦ ه.ق.	فرم و شیوهٔ تزئین	(کن‌بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹٤: ۹۹، طرح ۲٤)
۲۱	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سبز، درون، خطوط عمودی آویزان از لب به‌صورت موازی و خطوط نامشخص	قرون میانهٔ اسلامی		-
۲۲	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه، درون، خطوط عمودی آویزان از لب به‌صورت موازی	قرون ۷-٤ ه.ق.	فرم و شیوهٔ تزئین	عراق (گروبه، ۱۳۸۴: ۲۹، تصویر ۱۷)
۲۳	لبه، بدنه و پایه، کاسه، خمیرهٔ نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب سبز آبی درون و بیرون	قرون اولیه اسلامی	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰٦، تصویر ۲۹)
۲٤	لبه و بدنه، نامشخص، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه زیرلعاب سبز-آبی، درون، نقوش هندسی و گیاهی	سلجوقی	فرم و شیوهٔ تزئین	تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸۹، طرح C) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۳، طرح ٤)
۲۵	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، سبز آبی، نقوش کنده روی بدنه	سلجوقی - ایلخانی	فرم و شیوهٔ تزئین	(کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۰) آمل ؟ (گروبه، ۱۳۸٤: ۱۱٦، شمارهٔ ۱۲۹)

۲۶	لبه و بدنه، کاسه، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سبز، درون	سلجوقی و ایلخانی	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۰، تصویر ۳۸) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۳، طرح ٤)
۲۷	لبه، بدنه و پایه، کاسه، خمیرهٔ نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب قهوه‌ای روشن درون و بیرون	سلجوقی		-
۲۸	بدنه، نامشخص، خمیرهٔ نخودی، کانی، نامشخص، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش زیرلعاب پاشیده، درون، نقوش هندسی	قرون ۷-٤ ه.ق.	شیوهٔ تزئین	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷، تصویر ۳٤) سرمشهد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۱۸، طرح ٤۲)
۲۹	بدنه، نامشخص، قرمزآجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش شانه‌ای، فیروزه‌ای، بدنه، نقش شانه‌ای افقی و مواج عمودی	قرون اولیه اسلامی	شیوهٔ تزئین و لعاب	تپه‌اشرف (نصوحیان، ۱۳۹۱: ۳۵)
۳۰	بدنه، نامشخص، قرمزآجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش شانه‌ای، فیروزه‌ای، بدنه، نقش شانه‌ای افقی و مواج عمودی	۵-۳ ه.ق.	فرم و شیوهٔ تزئین	-
۳۱	بدنه، نامشخص، قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، خطوط کنده نوارهای افقی	ساسانی - قرون اولیه اسلامی	شیوهٔ تزئین	شهرگور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۵) دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۵٦، طرح ٤٤)
۳۲	بدنه، نامشخص، خمیرهٔ نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای درون و بیرون، نقوش کنده و فشاری، نقوش حلزونی خطوط افقی و نقطه‌های فشاری افقی روی بدنه	اوایل اسلامی	شیوهٔ تزئین	نیشابور (Willkinson, 1973: 62, 308) شهرگور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۵)
۳۳	بدنه، نامشخص، خمیرهٔ نخودی، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای درون و بیرون، افزوده و شانه‌ای، خطوط مواج افقی و هلالی روی بدنه	اوایل اسلامی	شیوهٔ ساخت و تزئین	بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱: ۹۵-۹٤) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۲، طرح ۲۳ و ۳)

بلادشاپور به‌دست شاپور دوم ساسانی دارد که با نتایج مطالعهٔ یافته‌های باستان‌شناسی هم‌خوانی دارد. شهرهای کوهگیلویه (قرون میانهٔ اسلامی) و دهدشت (دورهٔ صفویه) دارای وجوه مشترکی متعددی هستند که مهم‌ترین وجه اشتراک آن‌ها قدمت این دو شهر و کمبود اطلاعات تاریخی درمورد وضعیت تاریخی آن‌ها در بازهٔ زمانیِ پیش از دورهٔ صفویه و نیز قرارگیری آن‌ها در یک منطقهٔ جغرافیایی است که می‌تواند نقطهٔ ارتباط و پیونددهندهٔ این دو به یکدیگر باشد. با توجه به آن‌چه تاکنون مطرح شده است، می‌توان شهر و ضرابخانهٔ کوهگیلویه در قرن هشتم و نهم هجری‌قمری را در موقعیت فعلی شهر تاریخی دهدشت در شهرستان کوهگیلویه مکان‌یابی نمود.

پی‌نوشت

۱. حوزهٔ نفوذ به میدان تأثیر و نفوذ خدمات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک شهر در روستاها، روستا-شهرها، شهرک‌ها، بخش‌ها، شهرهای کوچک مجاور آن اطلاق می‌شود و با درنظرگرفتن امکان دسترسی به مراکز جمعیتی اطراف و به خدمات شهری تعیین می‌شود (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سناجردی، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۶).

۲. «زموم» یا «رموم» جمع «زم» یا «رم»، به محل و قلمرو زندگی اکراد (کوچ‌نشینان) فارس گفته می‌شد که شامل: زمیجان، دیوان، لوالجان، کاریان و بازرنگان می‌شد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۳۵-۱۳۴؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۸).

کتابنامه

- ابن‌اثیر، علی‌بن محمد، (۱۳۷۴). تاریخ الکامل. ترجمهٔ سیدمحمدحسین روحانی و محمدرضا آژیر، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن‌بلخی، (۱۳۸۵). فارسنامهٔ ابن‌بلخی. به‌اهتمام: گای لسترنج و رینولد نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- ابن‌بطوطه، ابوعبدالله محمدبن عبدالله، (۱۳۶۹). سفرنامهٔ ابن‌بطوطه. تهران : مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ابن‌خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله، (۱۳۷۱). المسالک و الممالک. ترجمهٔ سعید خاکرند، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و انتشارات میراث ملل.
- آزادی، احمد، (۱۳۸۸). «گزارش‌های بررسی باستان‌شناسی شهرستان کوهگیلویه». یاسوج: بایگانی اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویراحمد (منتشرنشده).
- استرآبادی، مهمد مهدی بن محمد نصیر، (۱۳۷۷). جهانگشای نادری. با اهتمام: عبدالله انوار، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق‌ابراهیم، (۱۳۷۳). المسالک و الممالک. ترجمهٔ محمدبن اسعدبن عبدالله شتری. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات ادبی تاریخی.
- افوشته‌ای‌نطنزی، محمودبن هدایت‌الله، (۱۳۷۳). نقاوة الآثار فی ذکرالاخیار فی‌تاریخ الصفویه. به‌اهتمام: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقتداری، احمد، (۱۳۷۵). خوزستان و کوهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی آثار باستانی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امیری، مصیب، (۱۳۹۱). «بررسی و مطالعهٔ سفال دوران ساسانی و قرون اولیهٔ اسلامی (مطالعهٔ موردی محوطه‌های تاریخی استخر، شهرگور، بیشاپور، سرمشهد و دارابگرد». رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس، (منتشرنشده).
- باستانی‌راد، حسن؛ و مردوخی، دل‌آرا، (۱۳۹۲). «گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران». مجلهٔ پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شمارهٔ ۱۲؛ صص: ۵۰-۲۱.
- بیضوی، عبدالله‌بن عامر، (۱۳۸۲). نظام‌التواریخ. تهران: نشر بنیاد فرهنگی دکتر محمود افشار.
- ترکمان، اسکندربیگ منشی، (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. زیرنظر: ایرج افشار، تهران: نشر امیرکبیر.
- حسینی‌منشی، محمد میرک‌بن مسعود، (۱۳۸۵). ریاض الفردوس‌خانی. به‌کوشش: ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- خدادوست، جواد؛ موسوی کوهپر؛ تقوی، عابد؛ و پورعلی‌یاری‌گوکی، شهین، (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعهٔ تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین؛ شهرستان باخرز(خراسان رضوی)». شمارهٔ ۱۳، دورهٔ هفتم، صص: ۱۷۲-۱۵۷.
- چوبک، حمیده، (۱۳۸۳). «تسلسل فرهنگی جازمویان - شهر قدیم جیرفت در دورهٔ اسلامی». رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس (منتشرنشده).
- (خواندمیر) حسینی، غیاث‌الدین، (۱۳۵۳). حبیب‌السیر فی‌اخبار افراد البشر. تصحیح: محمد دبیرسیاقی. مقدمهٔ جلال‌الدین همایی، تهران: نشر خیام.
- رایگانی، ابراهیم؛ موسوی‌کوهپر، سیدمهدی؛ و نیستانی، جواد، (۱۳۹۴). «واکاوی عوامل مؤثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی». فصلنامهٔ تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۵، شمارهٔ ۲۸، صص: ۶۴-۴۱.

- رجبی، نوروز، (۱۳۹۴). «یافته‌های باستان‌شناسی فصل دوم کاوش‌های محوطهٔ مادآبادالف-مرودشت». مجلهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شمارهٔ ۹، دورهٔ پنجم، صص: ۱۹۴-۱۷۴.
- روشنفکر، مهدی؛ و معینی‌رودبالی، رضا، (۱۳۹۹). «نقش سیاسی-نظامی کوهگیلویه در دورهٔ صفویه». مجلهٔ پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۸، شمارهٔ ۲، صص: ۹۲-۷۷.
- زرکوب‌شیرازی، معین‌الدین احمد (۱۳۵۰). شیراز نامه. تصحیح: اسماعیل واعظ‌جوادی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ و آورزمانی، فریدون، (۱۳۸۹). سکه‌های ایران: از آغاز تا دوران زندیه. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.
- سیاهپور، کشواد، (۱۳۹۵). «موقعیت و جایگاه سیاسی ولایت بهبهان و کوهگیلویه از سقوط زندیه تا آغاز عصر ناصری». مجلهٔ پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۵، شمارهٔ ۲، صص: ۱۳۶-۱۲۳.
- شریف‌الدین‌قزوینی، فضل‌الله، (۱۳۸۳). المعجم فی آثار ملوک العجم. به‌کوشش: احمد فتوحی‌نسب، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شهبازی‌فراهانی، داریوش، (۱۳۸۰). تاریخ سکه قاجار. تهران: انتشارات پلیکان.
- شیروانی، قادر؛ مهرآفرین، رضا؛ و کردستانی، مریم، (۱۳۹۴). «گاهنگاری محوطه باستانی کن‌بینو (تل‌گوینه) براساس مطالعهٔ سفال‌های به‌دست‌آمده از بررسی روشمند». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شمارهٔ ۹، دورهٔ ۵، صص: ۱۰۶-۸۷.
- عالی، ابوالفضل؛ و خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۴). «سفال‌های دورهٔ ساسانی تا اوایل اسلامی». بررسی باستان‌شناختی میناب شوشتر. به‌کوشش: عباس مقدم، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۲۹۷-۲۴۹.
- عسکری‌چاوردی، علیرضا، (۱۳۸۹). «کاوش در بنای معروف به کاخ ساسانی سروستان». مجلهٔ باستان‌شناسی و تاریخ، شمارهٔ ۴۶، صص: ۶۵-۳۷.
- علاءالدینی، بهرام، (۱۳۹۶). سکه‌های ایران از اواخر ایلخانان تا دورهٔ استیلای تیمور گورکان‌و تهران: انتشارات برگ‌نگار.
- علیزاده، عباس؛ امیدفر، مهدی؛ و احمدزاده، لقمان، (۱۳۹۵). سیستم استقراری فرهنگ‌های باستانی دشت رامهرمز، جنوب‌غربی ایران (نتایج کاوش تل‌گسر و بررسی منطقه‌ای رامهرمز). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.
- غفاری، یعقوب، (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی کوهگیلویه و بویراحمد. اصفهان: انتشارات گلها.
- صفی نژاد، جواد، (۱۳۸۲). «باران ایران و آبیاری سنتی». فرهنگان، شمارهٔ ۱۸، صص: ۶۱-۸.
- قربانی‌رضوان، مریم، (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعهٔ تطبیقی سفال‌های منقوش زیرلعاب موزهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه علیها السلام». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، (منتشرنشده).
- کتبی، محمود، (۱۳۶۴). تاریخ آل‌مظفر. به‌اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کریمیان، حسن؛ و جاوری، محسن، (۱۳۸۸). «شهرهای «وگیل» و «هراسکان» در انتقال از عصر ساسانیان به دوران اسلامی با اتکا به داده‌های باستان‌شناختی». مجلهٔ مطالعات باستان‌شناسی. شمارهٔ ۲، صص: ۸۳-۶۳.
- کریمی، فاطمه؛ و کیانی، محمدیوسف، (۱۳۶۴). هنر سفالگری در دورهٔ اسلامی. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کسروی‌تبریزی، احمد، (۱۳۸۱). تاریخ پانصدساله خوزستان. تهران: دنیای کتاب.

- گاوبه، هانیس، (۱۳۵۹). ارجان و کهگیلویه (از فتح عرب تا پایان دوره صفویه). تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- گروبه، ارنست، (۱۳۸۴). سفال اسلامی. ترجمهٔ فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ.
- لک‌پور، سیمین، (۱۳۹۰). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر(سیمره). تهران: انتشارات پازینه .
- مجیدی‌کرایی، نورمحمد، (۱۳۷۷). تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد. زیرنظر: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و خوانانی، علیرضا، (۱۳۹۳). «بازسازی تاریخ پادشاهی پارس در دورهٔ اشکانی». مجلهٔ مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲، صص: ۱۶۵-۱۴۹.
- محمودآبادی، سیداصغر؛ و منصوریان، مجتبی، (۱۳۸۹). «ضرابخانه‌های ساسانی و فعالیت آن‌ها بعد از سقوط ساسانیان (قرن اول هجری‌قمری)». مجلهٔ تاریخ، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۹، صص: ۱۲۸- ۱۰۷.
- مستوفی‌قزوینی، حمدالله‌بن ابی بکربن محمد، (۱۳۶۶). نزهةالقلوب. ترجمهٔ محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات طهوری.
- مسعودی‌نیا، ذبیح‌الله، (۱۴۰۰). «بررسی باستان‌شناختی روند تکوین و فراز و نشیب شهر تاریخی دهدشت». رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، (منتشرنشده).
- مقدسی، محمدبن احمد؛ (۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم فی‌معرفةالاقالیم. ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۶۲). لرستان و لرها، دو سفرنامه دربارهٔ لرستان. ترجمهٔ اسکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: انتشارات بابک.
- نصوحیان، فرناز، (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی سفال‌های سدهٔ سوم تا ششم هجری تپه‌اشرف». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد دانشگاه هنر اصفهان، (منتشرنشده).
- واله‌اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۷۲). خلدبرین (ایران در روزگار صفویان). به‌کوشش: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- یاقوت‌حموی، (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمهٔ علی منزوی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- یزدی، شرف‌الدین‌علی، (۱۳۸۷). ظفرنامه. تصحیح و تحقیق: سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.